

کیهان

گمان چیست و چه نقش و آثاری در زندگی بشر دارد؟ آیا همه گمان‌ها اعم از خوب یا بد ناپسند است؟ در نوشتار حاضر به این سؤالات براساس آیات قرآن پاسخ داده شده است.

جستی گمان

ظن که در زبان فارسی از آن به گمان یاد می‌شود حالتی از حالت‌های انسانی است که در میانه وهم و جزم قرار می‌گیرد. از این رو از آن به حالت میانه یا پنجاه پنجاه بدون هر گونه مرجحی برای تغلیب یکی از دو جانب تعبیر می‌شود.

از نظر قرآن رواج بدگمانی در جامعه به‌ویژه جامعه ایمانی تهدیدی جدی نسبت به اخوت دینی و همدلی و همراهی امت است و آن را زمینه‌ساز بسیاری از گناهان و آلودگی جامعه به ناپهنجاری‌های رفتاری و اخلاقی بر می‌شمارد.

گمان و گمانه‌زنی در قرآن

پرهیز نیک‌مرام

راغب اصفهانی از علمای بزرگ حوزه زبان شناسی و فقه‌اللغه، افزون بر بیسان معنای واژه ظن به تعریف علمی آن به‌ویژه بر مبنای کلام اسلامی توجه دارد. وی می‌کوشد تا از منظر قرآن واژه‌ها را معنا کند. ازاین رو وی را می‌توان یکی از بزرگان و پیشگامان عرصه تفسیر واژگانی قرآن به قرآن معرفی کرد.وی بر همین اساس به کاربردهای قرآنی هر واژه اهتمام ویژه‌ای مبذول می‌دارد و کتاب مفردات الفاظ القرآن وی یکی از گنجینه‌های گرانبهای تفسیری به شمار می‌آید.وی در تعریف هر واژه هر چند که نگاهی به کاربردهای عرف عرب و اعراب دارد ولی هرگز بی‌نظر به کاربردهای مفهومی آن در قرآن به تعریف ویژه‌ای نمی‌پردازد.می‌توان مدعی شد که وی واژگان را در این کتاب بر اساس مفاهیم برخاسته از آیات و کاربردهای آن در قرآن تفسیر و تعریف و یا بیان می‌کند. وی در تفسیر و تعریف ظن می‌نویسد: ظن چیزی و یا حالتی است که از نشانه‌ای حاصل می‌شود که اگر این

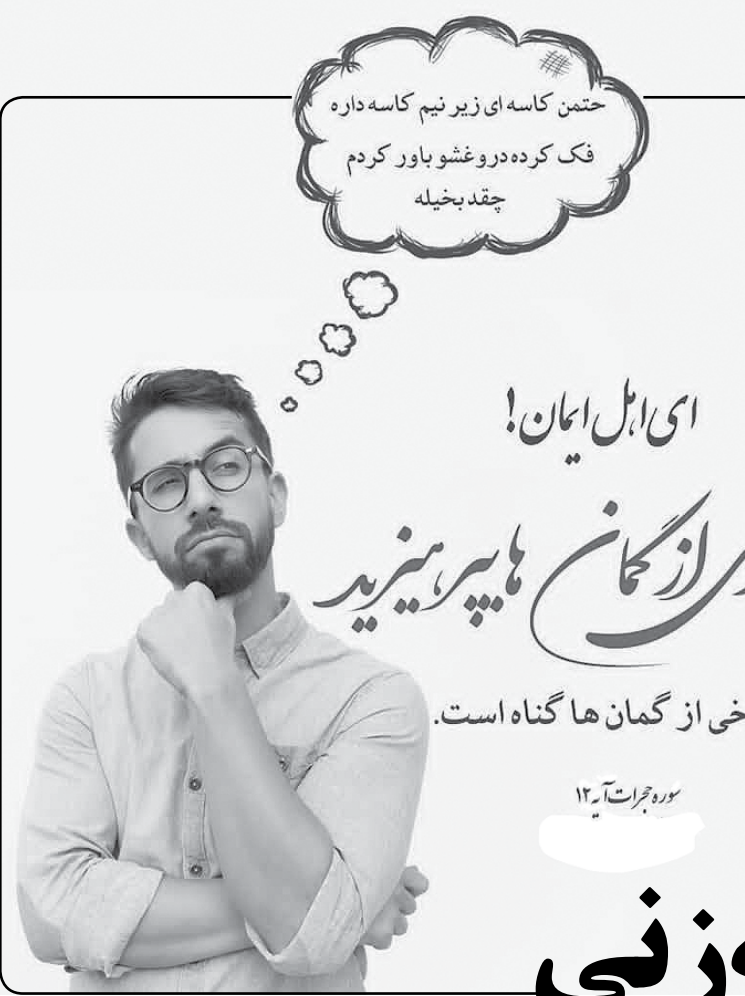
عبد صالح خدا «رجبعلی نکوگوین» در سال ۱۲۶۲ هجری شمسی در تهران دیده به جهان گشود. پدرش مشهدی باقر یک پیشه‌ور ساده بود و هنگامی که ۱۲ ساله بود پدرش از دنیا رفت و او را که از نعمت خواهر و برادر تنی بی‌بهره بود تنها گذاشت. از جناب شیخ نقل شده است که احسان و اطعام یک ولی خدا توسط پدرش زمینه ولادت او گردید. خانه شیخ خانهای خشتی و ساده بود که از پدرش به ارث برده بود و در مولوی کوچه سیسها (شهید منتظری) قرار داشت که تا آخر عمر در آنجا می‌زیست و امروز به نام حسینیه جناب شیخ رجبعلی معروف شده است. لباس شیخ بسیار ساده و تمیز بود، نوع لباسی که او می‌پوشید نیمه روحانی بود چیزی شبیه لباده روحانیون بر تن می‌کرد، عرقچین بر سر می‌گذاشت و عبا بر دوش می‌گرفت، او در لباس پوشیدن هم قصد قربت داشت، غذایش بیشتر از طعام‌های ساده مثل سیب زمینی و فرنی بود. بر سر سفره دو زانو می‌نشست و به‌طور خمیده غذا می‌خورد و گاهی هم بشقاب را به دست می‌گرفت و همیشه غذا را با اشتهای کامل می‌خورد.

کار شیخ یکی از شغل‌های پسندیده در اسلام و شغل لقمان حکیم است که پیامبر خدا(ص) فرمود: کار مردان نیک، خیاطی است (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۶۲۰ - ۱۱۸۲ - ۵۴۷۸) بنا بر همین شغل به شیخ رجبعلی خیاط معروف شد.

طریقه سیر و سلوک جناب شیخ با مسلک مدعیان طریقت تفاوت اصولی داشت. او هیچ یک از فرقه‌های تصوف را قبول نداشت. ایشان طریقت، شریعت و حقیقت را با هم داشتند و مانند دراویش پشت پا به شریعت نمی‌زدند. ترجیع بند زندگی‌اش کار برای خدا

طریقه سیر و سلوک جناب شیخ با مسلک مدعیان طریقت تفاوت اصولی داشت.او هیچ یک از فرقه‌های تصوف را قبول نداشت.ایشان طریقت، شریعت و حقیقت را با هم داشتند و مانند دراویش پشت پا به شریعت نمی‌زدند.

بود و راه و سیر و سلوک را در چهار چیز می‌دانست:
۱- گدایی در خانه خدا؛
۲- توسل به ائمه هدی(ع)؛
۳- احسان به خلق؛
۴- کسب اخلاق الهی؛
جناب شیخ بسیار مهربان، خوش‌رو، خوش اخلاق، متین و مؤدب بود، همیشه در زانو می‌نشست، به پشتی تکیه نمی‌کرد، کمی دور از پشتی می‌نشست، خیلی آرامش داشت، اغلب خندور بود، پندرت عصبانی می‌شد. انتظار فرج یکی از ویژگی‌های بارز او بود و ارادت ویژه‌ای به حضرت ولی‌عصر(عج) داشت و منتظر واقعی آن حضرت بود. می‌فرمود:اغلب ما اظهار می‌کنیم که امام زمان(عج) را از خود بیشتر دوست می‌داریم و حال آنکه بیشتر برای خود کار می‌کنیم تا برای ایشان. ایشان در مورد منتظر واقعی می‌فرمود: پینه‌دوزی در شهری به نام امامعلی آذری زبان که عیال و لواذی نداشت و مسکن او هم ظاهرا در همان دکانش بود، حالات فوق‌العاده‌ای داشت و خواسته‌ای جز فرج آقا نداشت. وصیت کرد او را در پای کوه بی‌بی شهریان در جوالی شبر ری دفن کنند هر وقت به قبر ایشان توجه کردم حضرت صاحب(عج) را در آنجا دیدم.



زیرا برخی از گمان‌ها گناه است.

آیات ۱۱۶ تا ۱۱۹) این وضعیت نسبت به امور اعتقادی و بنیاد گذاشتن بینش‌ها و نگرش‌ها بر آن تشدید می‌شود و هر گونه بینانگذاری بینش‌ها، نگرش‌ها، باورهای ایمانی بر پایه ظن و گمان حرام شمرده شده است. آیات ۷۸ سوره بقره و آیه ۱۰۰ و ۱۱۶ و ۱۴۸ سوره انعام و نیز ۲۵ و ۲۶ و ۶۶ سوره یونس و همچنین آیه ۲۰ زخرف و آیات چندی دیگر بر این مسئله تاکید دارند

نشانه قوی شود به یقین منجر می‌شود و اگر ضعیف و سست شود در حد وهم می‌ماند و از آن تجاوز نمی‌کند. (مفردات ص ۵۲۹ ذیل واژه ظن)

در قرآن این مفهوم یعنی حد فاصل میان یقین و وهم با واژگانی چون ظن و حسب و زعم بیان می‌شود،هر چند که تفاوت‌های لطیف و معناداری میان هر یک از آنها به سبب ریشه ایجادیی و آثار و کارکردهای آن وجود دارد که در کتب فقه اللغه بیان شده است.

خوش گمانی و بدگمانی در قرآن

ظن یا گمان از نظر قرآن به دو دسته گمان خوب و گمان بد تقسیم می‌شود که با توجه به موقعیت و کاربردهای آن از نظر شرعی حکم خاصی می‌یابد. در احکام الهی پیروی از ظن که از آن به ظن غیر معتبر یاد می‌شود امری ناپسند است و از این رو از نظر قانونی درحوزه احکامی تحریمی قرار می‌گیرد و پیروی از ظن غیر معتبر حرام دانسته شده است.(انعام

که در امور اعتقادی همانند اصول دین که بینش‌ها و نگرش‌ها و باورهای آدمی را می‌سازد و رفتارهای او را سامان می‌دهد نباید از ظن و گمان پیروی کرد. از این رو در رساله‌های عملی همه فقهایان از وجوب باورها و حرمت تقلید در حوزه ایمانی و اصول دین سخن به میان آمده است.

مسئله پیروی از گمان بد و ظن ناروا به سبب

رجبعلی خیاط؛ آشنای ملوکوت

تاثیر کلام و رمز اصلی سازندگی شیخ، در عمل به حدیث حضرت امیرالمومنین(ع) است که در این باره می‌فرماید: هر کس خود را پیشوای مردم سازد باید قبل

از آموزش مردم به خود بپردازد و قبل از آنکه دیگران را با گفتار ادب کند با رفتار، خود را تربیت کند، همین گونه بود که او لحظه‌ای از خدا غافل نبود.

ایشان به اشعار عرفانی و اخلاقی بسیار علاقه‌مند بود، بیشتر وقت‌ها مواءظ خود را با اشعاری از مثنوی طالقذیس ملاحمد نراقی زینت می‌داد، او عاشق و شیفته حافظ بود، اشعار مرحوم فیض کاشانی را می‌خواند طوری که صدای ایشان با حالات عرفانی‌شان در و دیوار را به وجد می‌آورد.

جناب شیخ هرچند از دانستگی‌های رسمی حوزه و دانشگاه بی‌بهره بود ولی در عالم معنا محضر بزرگان علم و معرفت همچون: آیت‌الله قاضی، آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی، آیت‌الله میرزا جمال اصفهانی، آیت‌الله میلانی، آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله کوهستانی را درک کرده بود.

راز جهش معنوی شیخ

نقطه عطف و راز جهش در زندگی شیخ ماجرابی است تکان دهنده، عبرت‌انگیز و آموزنده، شبیه داستان حضرت یوسف(ع) و ابن سیرین که همان توحید تجربی است. فقیه عاقلیدر حضرت آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی(ره) به این داستان از قول شیخ اینچنین اشاره کرده: در ایام جوانی دختری رعنا و زیبا از بستگان، دلباخته من شد و سرانجام در خانه‌ای خلوت مرا به دام انداخت، با خود گفتقم رجبعلی خدا تو را خیلی امتحان کرده ببآ و یک بار تو بعدا از امتحان کن و از این حرام آماده و لذت‌بخش به خاطر خدا صرف‌نظر کن و سپس عرضه داشت:خدایا! من این گناه را به خاطر تو ترک می‌کنم تو هم مرا برای خودت تربیت کن. همین

خودداری و پرهیز از گناه موجب بصیرت و بنیایی او گردید، چنانکه خود فرمود: روزی از چهار راه مولوی و از مسیر خیابان سیروس به چهارراه گلوبندک رفتم و برگشتم، فقط یک‌چهره آدم دیدم.

ایشان می‌فرمود: مراقب دل‌هایتان باشید، غیر خدا را در آن راه ندهید تا ببینید آنچه را دیگران نمی‌بینند و بشنوید آنچه را دیگران نمی‌شنوند.

در جای دیگر اشاره دارد: اگر چشم برای خدا کار کندمی‌شود عین‌الله، اگر گوش برای خدا کار کند می‌شود اذن الله، اگر دست برای خدا کار کند می‌شود یدالله، تا می‌رسد به قلب انسان که اگر برای خدا باشد می‌شود عرش الله.

جناب شیخ چنان در خدا غرق بود که وجود او را خدا مسخر کرده بود، غیر از او نمی‌دید و هرچه می‌دید، خدا می‌دید، اول و آخر کلامش خدا بود و در نتیجه شدت محبت به خدا و اهل بیت(ع)حجابی میان او و خدا و اهل بیت نبود و به تمام عوالم راه داشت، با ارواح در سبزخ از آغاز خلقت تاکنون صحبت می‌کرد، آنچه را هر کس در دوران عمر خود طی کرده بود به محض اراده می‌دید و نشانه‌های آن را می‌گفت و آنچه را اراده می‌کرد و اجازه می‌دادند آشکار می‌کرد.

معارفMaarefkayhan@Kayhan.ir

آثار سوء در جامعه به شدت تقبیح می‌شود و حرمت آن به شکل بازخواست در دنیا و آخرت و تهدید به عذاب‌های سخت اخروی خود را نشان می‌دهد که در ادامه این نوشتار به آن پرداخته می‌شود و در همین جا تنها به این نکته اشاره می‌شود که آیات ۱۲ سوره نور و حجرات بر وجوب پرهیز از گمان بد نسبت به دیگران حکم می‌کند و آن را عامل واگرایی اجتماعی می‌شمارد.

علامه طباطبایی در صفحه ۲۲ مجلد ۱۸ تفسیر المیزان با اشاره به آیه حجرات می‌فرماید که مقصود از ظن در آیه پرهیز از ظن مطلق نیست بلکه مراد پرهیز از مثل بدگمانی است که آثار بدی را به دنبال دارد. وی آنگاه به گمان خوب نیز اشاره می‌کند و می‌نویسد که گمان خوب نسبت به دیگری امری مطلوب و پسندیده است. همین معنا را شیخ طوسی در جامع البیان در صفحه ۸۵ از مجلد ۱۳ اشاره می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت که ظن خوب نسبت به دیگری که همان مثبت نگری در حوزه عمل اجتماعی است به سبب آنکه همدلی را در میان افراد جامعه افزایش می‌دهد امری مطلوب و پسندیده شمرده شده است و به نظر شیخ طبرسی در مجمع البیان با اشاره به آیه ۱۲ سوره حجرات نه تنها برخی از گمان‌ها خوب و مطلوب است بلکه می‌توان گفت که برخی از گمان‌ها:از جمله گمان‌های خوب و مثبت به دیگری امری واجب و لازم است.(مجمع البیان ج ۹ و ۱۰ ص ۲۰۵)

به سخن دیگر از آنجا که مثبت نگری و تصحیح اعمال دیگران و حمل کردن آن بر پسندیده‌ها و هنجارها موجب همدلی و همگرایی می‌شود خداوند لازم دانسته است که مردم نسبت به یکدیگر گمان خوب برند و رفتارهای دیگری را در حد مقبول بر امور نیک و خیر و پسندیده بار کنند و به توجیه رفتارها بپردازند. به عبارت دیگر اگر شخصی عملی انجام داد که نشانه‌ای وجود دارد که مراد و منظور وی از آن عمل، خیر و پسندیده بوده است می‌بایست

جامعه بر تر قرآنی اسلامی جامعه‌ای است که بر مبنای مثبت نگری بنیاد نهاده شده است. خداوند در آیه ۱۲ سوره نور مومنان جامعه اسلامی را موظف می‌کند که نسبت به هم حسن ظن داشته و گمان‌های خوب ببرند و رفتارها و اعمال یکدیگر را بر وجه درست و صحیح آن بار کنند.

آن را مرجح قرار داد و کارش را بر امر پسندیده حمل کرد. این‌گونه است که گمان خیر بردن به دیگری و اعمالش می‌تواند همدلی و وقاف اجتماعی را افزایش دهد و از واگرایی و تنش‌های اجتماعی بکاهد. بر این اساس قرآن برای متهم کردن دیگری به کاری ناروا و قضاوت علیه مومن تنها براساس ظن و گمان را نمی‌پذیرد و در آیات ۱۱ تا ۱۵ سوره نور

مینا قراردادن ظن را برای دآوری مردود می‌شمارد. خداوند در آیه ۲۶ سوره یونس و نیز ۲۸ سوره نجم ازمردمان می‌خواهد تا گمان را جایگزین علم و قطع نکنند و آن را مبنای دآوری قرار ندهند.

مضرات بدگمانی

جامعه بر تر قرآنی اسلامی جامعه‌ای است که بر مبنای مثبت نگری بنیاد نهاده شده است. خداوند در آیه ۱۲ سوره نور مومنان جامعه اسلامی را موظف می‌کند که نسبت به هم حسن‌ظن داشته و گمان‌های خوب برند و رفتارها و اعمال یکدیگر را بر وجه درست و صحیح آن بار کنند. در آیات ۱۱ و ۱۲ همین سوره خداوند مومنانی را که نسبت به هم سوءظن داشته‌اند نکوهش می‌کند و از اینکه بدگمانی‌ها موجب شده است تا شایعاتی ایجاد شده و خبرهای دروغ و ناروا پخش شود و اعتماد متقابل از میان برود سرزنش می‌کند. آیه ۱۲ سوره حجرات بر مترتب شدن گناه بر برخی از گمان‌ها اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که آگاهی مردم نسبت به قانون و مجازات آن، خود عاملی بازدارنده به شمار می‌آید، به این معنا که اگر مردمان نسبت به قانون و مجازات‌های قانونی آن آگاهی داشته باشند می‌کوشند تا از آن اجتناب کنند. بر این اساس مردمان را نسبت به مجازات گمان‌های بد و ناروا آگاه می‌سازد تا هر چه بیشتر از این بیماری و ناپهنجاری اجتماعی دوری کنند.

خداوند در همین آیه بدگمانی نسبت به مومنان را گناهی نیازمند توبه می‌شمارد و بسیاری از گمان‌هایی که در میان افراد جامعه وجود دارد را در حوزه بدگمانی‌ها دسته‌بندی کرده و از آن نهی می‌کند. بدگمانی ریشه شایعات و دشمنی‌ها و فروپاشی ارزش‌های اخلاقی و هنجاری اجتماعی دانسته شده است و با اشاره به قصه افک که دربارۀ پیامبر و همسرش اتفاق افتاد آثار سوء آن را در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره نور تحلیل و تجزیه می‌کند و توصیه اکید می‌کند که از هرگونه گمان بد و ناروا پرهیز شود تا به شکل شایعه جامعه را با بحران فقدان اعتماد مواجه سازد.

از نظر قرآن رواج بدگمانی در جامعه به‌ویژه جامعه ایمانی تهدیدی جدی نسبت به اخوت ایمانی و همدلی و همراهی امت است (حجرات آیات ۱۰ تا ۱۲) و آن را زمینه‌ساز بسیاری از گناهان و آلودگی جامعه به ناپهنجاری‌های رفتاری و اخلاقی بر می‌شمارد؛ زیرا بدگمانی موجب می‌شود تا رفتار زن و مردی را بر باطل و گناه حمل کرده و قیاحت و زشتی برخی از گناهان و ناپهنجاری‌ها را از میان برده و به شکلی با اشاعه فحشا و منکر از آن دامن زند. از این رو گمان‌های سوء و ناروا عاملی مهم برای تقویت زمینه‌های گناه و ناپهنجاری است که در این آیات بدان اشاره شده است.

۵- با خدا انسی داشتم التماس کردم سَرخلقت را به من بفرمایند، خطاب آمد: احسان، احسان به خلق بعد از بندگی ما.
۶- به سادات احترام بگذارید آنان را در هر مرتبه و منزلی که هستند گرامی بدارید.
۷- میزان ارزش اعمال، میزان محبت به خداست.
۸- تفاوت منزلتی دارد، مرتبه نازله آن انجام واجبات و ترک محرمات.
۹- مرتبه عالی تقوا پرهیز کردن از غیر خداست.
۱۰- رسیدگی به فقرائ انسان را عاشق خدا می‌کند.
۱۱- مردم را به خدا دعوت کنید نه به خود.
۱۲- آنچه پس از انجام فرائض حال بندگی را درانسان ایجاد می‌کند نیکی به مردم است.
۱۳- هیچ چیز مثل عمل به احکام، برای ترقی و تعالی بشر مؤثر نیست.
۱۴- تو بسرای خدایباش، خدا و ملائکهایش برای تو خواهند بود.

۱۵- به مردم رسیدگی کنید تا خدا به شما رسیدگی کند.
۱۶- اهل بیت را خرج گرفتاری‌های زندگی و دنیایشان نکرده و آنها چراغ راه شما در طریق توحیدی و خدانشناسی هستند.
۱۷- تاثیر روزی حلال و حرام آن‌قدر زیاد است که ممکن است حلال‌زاده بخورد و مثل حرام‌زاده شود یا حرام‌زاده بخورد و حلال‌زاده شود.

۱۸- اگر کسی برای خدا کار کند چشم دلش باز می‌شود.

شیخ رجبعلی خیاط به مدارج رفیع از سلوک و معرفت رسیده بود:او نمونه‌ای والا از عارفان باطن را برپو تو آیات و روایات توانسته‌اند تائینی از باطن را به تماشا بنشینند، راهی که امثال شیخ پیموده‌اند با

یکی از شاگردان مرحوم شیخ نقل می‌کند که آن بزرگمرد همواره به

گدایی در درب خانه خدا سفارش می‌کرد و می‌فرمود: شبی یک ساعت دعا بخوانید اگر حال دعا نداشتید

باز هم خلوت با خدا را ترک نکنید.

از دستورهای شیخ برای مداومت بر اذکار اینهاست:
۱- بسرای افزایش قدرت انسان در غلبه بر نفس ذکر: با دالم یا قائم؛
۲- برای دوستی خداوند متعال در دل: هزار صلوات تا چهل شب؛
۳- برای سرکوبی نفس: هر روز سیزده مرتبه ذکر: اللهم للک الحمد و الیک العشکتی و انت المستعان؛
۴- برای چیرگی بر نفس: مداومت بر ذکر لاحول و لا قوالبالله العلی العلی‌الطیلم؛
۵- ذکر: یا غنی یاکریم، دویست بار بعد از نماز بسیار مؤثر است.

۶- خدا بقدری مهربان است که گویا فقط همین یک بندۀ را دارد که دالم به او می‌گوید این کار را بکن و آن کار را مکن تا درست شوی.

از:سایت پرمسان

صفحه ۷
سه‌شنبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۰
۵ شعبان ۱۴۴۳ - شماره ۲۲۹۸۳

چراغ راه

دو خصلت هلاکت آفرین!

قال الامام الصادق(ع): «پاک و خصلتین مهلکتین، ان تفتی الناس برأیک، و ان تقول مالا تعلم».

امام صادق(ع) فرمود: از دو خصلت که مایه هلاکت است بپرهیز:
۱- اینکه به رای خود برای مردم فتوا بدهی
۲- اینکه چیزی را بگویی که نمی‌دانی! (۱)

۱- المحاسن، ج ۱، ص ۲۰۵

حکایت خوبان

جایگاه مبلغان عامل و مومن پرور

پیامبر گرامی(ص) خطاب به عده‌ای از اصحاب خود فرمودند: آیا می‌خواهید برای شما عده‌ای را نام ببرم که نه از طایفه پیامبران بوده و نه از شهیدان، در عین حال آن قدر مقام و منزلت در نزد خداوند و در روز قیامت خواهند داشت که حتی خود پیامبران و شهدا به منزلت و جایگاه ایشان غبطه می‌خورند! یاران پیامبر(ص) عرض کردند: یا رسول‌الله! اینها چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: کسانی هستند که بندگان خداوند را امر و تشویق به خوبی‌هایی می‌کنند که خداوند دوست دارد، و از چیزهایی باز می‌دارند که حضرت حق نمی‌پسندد، و در نتیجه بندگان خدا را مبدل به بندگان محبوب الهی نمایند.(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۴

پرسش و پاسخ

جهل مرکب، پست‌ترین ردیله اخلاقی

پرسش:

جهل مرکب که علمای اخلاق از آن به عنوان کثیف‌ترین ردیله اخلاقی و روحی نام برده‌اند چگونه در انسان به وجود می‌آید و آیا راهکاری برای درمان آن وجود دارد؟

پاسخ:

مفهوم جهل مرکب

جهل مرکب یکی از رذایل خاص قوه عاقله و معنایش این است که کسی مطلبی را نداند، نداند که نمی‌داند، بلکه معتقد است که می‌داند. اینکه به آن می‌گویند: مرکب، چون از بزرگ‌ترین رذایل نفسانی ترکیب شده است. ما ردیله‌ای کثیف‌تر، خبیث‌تر و به لحاظ علاج مشکل‌تر از جهل مرکب نداریم، یعنی همین حالت روحی که چیزی را نمی‌داند، ولی معتقد است که می‌داند.

فرق میان جهل بسیط و مرکب

در جهل بسیط انسان نمی‌داند، ولی می‌داند که نمی‌داند، در اینجا ممکن است انسان راه به جایی نبرد و کاری کند که از جهل نجات یابد. اما کسی که نمی‌داند و نداند که نمی‌داند، این شخص گرفتار جهل مرکب است و گفته‌اند تا ابداًدل‌هر این جهل مرکب می‌ماند و هیچ‌گاه مرصدد درمان خود از این بیماری توهم دانایی برنی‌آید! از نظر اصطلاحی به این افراد می‌گویند: احقاً! یعنی کسانی که جهل مرکب دارند.

درمان نداشتن ردیله جهل مرکب

اینکه انسان نمی‌داند، ولی معتقد است که می‌داند، برای او از بالاترین رذایل نفسانی، و بیچاره‌کننده‌ترین ملکات خبیثه نفسانی است. شما اگر بخواهید در امراض جسمانی یک مرضی را بشناسید که علاجه‌ش سخت باشد، و مشکل‌تر از آن مرضی در رابطه با جسم و روح نباشد، همین جهل مرکب است و معالجه و درمان آن به قدری سخت است که علمای اخلاق آن را درد بی‌درمان، و ردیله غیرقابل علاج می‌خوانند! از حضرت عیسی(ع) روایتی را نقل می‌کنند که می‌فرماید: «انی لا اعجزان معالجه الکامه و الابرس، و(لکن) اعجز معالجه الاحق» من از درمان و معالجه این کسانی که پیسی دارند و لال هستند، عاجز نیستم، (من کور و کر و لال و امثال اینها را می‌وانم معالجه کنم) اما از معالجه احق‌ها عاجز هستم.(جامع‌السعدات، ج ۱، ص ۱۲۲) آری این‌قدر معالجه این ردیله مشکل است که حضرت عیسی(ع) طبیب جسم و روح انسان‌ها از درمان آن اظهار ناتوانی می‌کند!قرآن کریم زیانکارترین انسان‌ها را همین افراد معرفی می‌کند، ولی می‌فرماید: آیها زیانکارترین افراد از حیث رفتار و عمل ناصواب را به شما معرفی کنم؟! اینها همان کسانی هستند که تمام تلاش‌شان در زندگی دنیا گمراهی و تباهی بوده در حالی که خودشان خیال می‌کنند، کارهای خوب و نیکویی انجام داده‌اند!کفھ - آیات ۱۰۳ و ۱۰۴)

منشأ پیدایش جهل مرکب

علمای اخلاق در پاسخ به این سوال که چرا انسان به چنین ردیله علاج‌ناپذیری مبتلا می‌شود، عواملی را مطرح کرده‌اند که در اینجا به نحو اجمال به آنها می‌پردازیم:

۱- بیماری درونی کبر و تکبر

کسی که به بیماری کبر و تکبر در درون خود مبتلا می‌باشد، یکی از آثار این ردیله اخلاقی، عدم شناخت و درک صحیح واقعیات و حقایق عالم هستی است، و خداوند اثر وضعی این بیماری را طوری قرار داده که عقل و قدرت شناخت انسان کارآیی واقعی خود را از دست می‌دهد. امام باقر(ع) فرمود: در قلب هیچ انسانی چیزی از کبر وارد نمی‌شود، مگر اینکه به همان اندازه از عقلش کاسته خواهد شد! کم باشد یا زیاد؟! (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۸۶) در روایتی دیگر حضرت عیسی(ع) در این رابطه می‌فرماید: همان‌طور که بدر و دانه در زمینی که سست باشد می‌رویید، ولی گیاه که در دل سنگ نمی‌رویید، پادمانی حکمت و شناخت واقعیات در دل انسان که برخوردار از فضیلت تواضع و فروتنی است جایگزین می‌شود، نه در دل شخصی که مبتلا به بیماری کبر و خودبزرگبینی است!(مستدرک‌الوسائل، ج ۱، ص ۲۹۹)

۲- عوجا و کج‌سلیقگی

قرآن کریم می‌فرماید: کسانی که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند، و مانع بندگی خدا می‌شوند، و راه مستقیم خدا را کج جست‌وجو می‌کنند، اینها در نهایت گمراهی‌اند.(ابراهیم- ۳) در آیه دیگر می‌فرماید: کسانی را که در زمین به ناحق تکبر می‌ورزند، از توجه و عقل و قدرت شناخت انسان کارآیی واقعی خود را از دست می‌دهد.

جهل مرکب در انسان است و او را فردی متصلب و غیرقابل انعطاف قرار می‌دهد تعصب اگر پشتوانه معرفتی و تعقلی نداشته باشد و کور‌گورانه و جاهلانه در درون انسان شکل گرفته باشد، منجر به بیماری جهل مرکب می‌شود و او را به هلاکت می‌رساند. در روایات از چنین اشخاصی به جاهل متسک نام برده شده است!